



سرمقاله:

در حواشی انتشار نشریه "کار داخل کشور"

انتشار کار داخل کشور همانطوریکه پیش بینی می نمودیم عکس العمل های متفاوتی را در پی داشت. امیل های متعددی که برای ما ارسال شده حاکی از استقبال گرم و شادمانه تعداد زیادی از آنها بوده، که اکثراً خواهان اشتراک اینترنتی نشریه گشته اند. ارتباطات محدود ما در داخل کشور با کسانی که نشریه را دیده اند اکثراً ذوق زده و از این اقدام رفقای خود خشنود بودند. البته بودند رفقای که سؤالات و ابهاماتی هم در مورد حرکت فوق داشتند. متأسفانه بعثت مسائل امنیتی نمی توانستیم جوابگوی رودرروی آنان باشیم. هر چند که ارتباطات مستقیم ما هم در حدی نیست که جوابگوی سؤالات همه مخاطبین باشد. بالاچاره وسیله ارتباطی ما به همین چند صفحه نشریه محدود می شود، که تنها سهم کوچکی از آنرا می توانیم به این امر اختصاص دهیم. اما در خارج از کشور به نظر می رسد با بایکوتی بی سرو صدا مواجه شده ایم. سایت کار آنلاین و دیگر سایت های فدایی و احزاب و سازمان های چپ نه تنها از گذاشتن این نشریه در سایت های خود و یا دادن لینک آن امتناع نمودند، حتی از اعلام خبر انتشار آن نیز خودداری کردند. تنها سایت "پاران ما" که خود اخیراً مغضوب هیئت سیاسی سازمان قرار گرفته خبر انتشار آنرا اعلام و با دادن لینک امکان دسترسی به نشریه را فراهم ساخت و سایت "صدای مردم" و چند سایت دیگر هم به نقل از این سایت خبر انتشار آنرا درج نمود.

الزام انتشار نشریه در فورمت پی-دی-اف برای حفظ شکل نشریه در پرینت و تکثیر آن در داخل کشور، مشکلاتی را برای نقل مقالات در سایت های اینترنتی را به همراه داشته است. سعی خواهیم نمود در شماره های بعدی مقالات آنرا در فورمت ورد هم ارائه کنیم تا این مسئله مشکل ساز نباشد. هر چند که درج خبر انتشار آن به این موضوع ارتباطی نداشت.

ادامه در صفحه ۲

در این شماره:

- به مناسبت ۱۲۳ مین سالگرد روز اول ماه مه - صفحه ۲
- "برگی از صفحات جنبش کارگری و ... - صفحه ۲
- در همراهی و همدردی با کارگران زندانی - صفحه ۳
- اقدامی مشترک برای آزادی کارگران زندانی - صفحه ۳
- می توان جهان بهتری ساخت - صفحه ۴
- "شمه ای از تاریخچه ی جنبش سندیکائی و ... - صفحه ۵
- از میان رویدادهای کارگری در یک سال گذشته - صفحه ۶
- پاسخ به نامه "جمعی از مادران و ... - صفحه ۷
- گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم - صفحه ۷
- انتخاباتی که براننده جمهوری اسلامی بود - صفحه ۷
- پیش بسوی اترناسیونال کارگری جدید - صفحه ۸
- اطلاعیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب - صفحه ۹
- گرامی باد یاد و خاطره رفیق بیژن جزئی ... - صفحه ۱۰
- "شاهزاده سرخ" نماد خیانت - صفحه ۱۰

ارتباط با ما:

Kar_dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

می توان جهان بهتری ساخت

با پایان جنگ دوم جهانی آمریکا در حالیکه رقیبان بزرگ سرمایه داری خود را نابود شده میدید در راس ساختار امپریالیستی قرار گرفت، در طول جنگ دوم زنان بیش از هر زمان دیگر گروه گروه به نیروی کارگری می پیوستند و به کارهایی که پیشتر از انجام آن محروم بودند.

ادامه در صفحه ۴

به مناسبت ۱۲۳ مین سالگرد روز اول ماه مه

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶، ۲۰۰ هزار نفر از کارگران زن و مرد آمریکایی در شهرهای شیکاگو، نیویورک، دیترویت و ... اعتصاب و دست از کار کشیده، وبا بازوانی گره کرده و با شعار "۸ ساعت کار" راهپیمایی کردند. در ۴ مه پلیس به گرد همایی کارگران در شیکاگو وحشیانه یورش برده و بسیاری از کارگران را زخمی و بازداشت کرد.

ادامه در صفحه ۲

"شمه ای از تاریخچه ی جنبش سندیکائی و

اتحادیه ای کارگران ایران"

جنبش سندیکائی واتحادیه ای ایران در دوران انقلاب مشروطیت توسط کارگرانی که در باکو و عشق اباد کار کرده و به وطن بازگشته بودند بنا نهاده شد.

ادامه در صفحه ۵

اقدامی مشترک برای آزادی کارگران زندانی

دادگاه انقلاب سنندج که با محکوم کردن محمود صالحی، فعال کارگری و از بنیان گذاران سندیکای خبازان سقز به دو ماه زندان به جرم ارتباط با خارج از زندان و ارسال پیام های حمایتی به دانشجویان و نوشتن نامه تشکر آمیز به کسانی که خواهان آزادی وی گردیده بودند، از آزادی وی که می بایستی در چهارم فروردین ماه انجام می گرفت خودداری نمود.

ادامه در صفحه ۳

از میان رویدادهای کارگری در یک سال گذشته

اعلام موجودیت اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار: هیئت موسس اتحادیه سرا سری کارگران اخراجی و بیکار فعالیت خود را با راه اندازی سایت اینترنتی با مشارکت کارگران برخی واحد های کارگری تهران و سنندج و کرمانشاه شروع بکار کرد.

ادامه در صفحه ۶

در همراهی و همدردی با کارگران زندانی

سوار بر مرکب عشق وحرکت به سوی مقصد جز کار رهروان راستین درد آشنا و رنج کشیده و محنت دیده نیست، سالکان این طریق جملگی هم زادان درد انسان هابند، گرچه با مرارت های شدید و سختی های جانگاہ و جانفرسا دست و پنجه نرم می کنند.

ادامه در صفحه ۳

به مناسبت ۱۲۳مین سالگرد روز اول ماه مه

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶، ۲۰۰ هزار نفر از کارگران زن و مرد آمریکایی در شهرهای شیکاگو، نیویورک، دیترویت و ... اعتصاب و دست از کار کشیده، وبا بازوانی گره کرده و با شعار "۸ ساعت کار" راهپیمایی کردند. در ۴ مه پلیس به گرد همایی کارگران در شیکاگو وحشیانه یورش برده و بسیاری از کارگران را زخمی و بازداشت کرد. از ۸ تن از رهبران بازداشت شده کارگران ۷ تن به اعدام و یک نفر به حبس ابد محکوم گردیدند. یکی از کارگران پیش از اجرای حکم در زندان در گذشت. دو تن مورد عفو و به حبس ابد محکوم و ۴ تن به نامه‌ای آلبرت پارسونز، آگوست اسپایس، جورج انگل و آدولف فیسچر در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ به دار آویخته شدند.

مبارزه و قهرمانی این جان باختگان به پرچم مبارزه کارگران و زحمتکشان بدل شد. در ۱۸۸۹ کنگره بین المللی سوسیالیستها با مساعدت انگلس تشکیل و طی قطعنامه ای اول ماه مه را بعنوان روز جهانی کارگر تصویب کرد و مقرر داشت که اول ماه مه ۱۸۹۰ کارگران سراسر جهان در حمایت از کارگران آمریکایی و برای ۸ ساعت کار در روز دست از کار بکشند.

سابقه تلاش برای تعیین روزی بعنوان "روز کارگر" و شعار کار روزانه ۸ ساعت به مدت ها قبل از این تاریخ بر می گردد. برای اولین بار کارگران استرالیایی در ۲۱ آوریل سال ۱۸۵۶ جشنی را تحت شعار ۸ ساعت کار در روز برگزار کردند. برگزاری این جشن چنان اثری قوی در تحکیم صفوف کارگران داشت، که تصمیم گرفته شد هر دو سال یکبار این جشن برگزار شود.

در اول ماه مه ۱۸۶۱ در لندن بیانیه ای توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس در بین کارگران منتشر شد. در این بیانیه گفته می شد "رنجبران روی زمین اتحاد کنید!". "کارگر تو در اتحاد و قیام نمودن برای آزادی غیر از زنجیر استبداد چه داری که متضرر شوی؟ در عوض اگر موفق شوی یک عالم را خلاص کرده ای" این بیانیه دنیای سرمایه داری را تکان داد، از نتایج این بیانیه بود که ۹ سال بعد پرچم کمون در کوچه های پاریس به اهتزاز در آمد.

اول ماه مه خواست ۸ ساعت کار در روز را مطرح ساخت و به آن هدف رسید، ولی از بین نرفت و تداوم یافت. فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (دبلیو اف تی یو) در بیانیه اول ماه مه خود از کارگران سراسر جهان خواسته است، با هم اندیشی و اقدام مشترک و گرد آمدن در اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی بر مبارزه کارگران سراسر جهان برای مقابله با سیاست جهانی سازی نولیبرالی و خصوصی سازی که منجر به فقر و بیکاری میشود، و برای ایجاد جامعه ای فارغ از تبعیض و فقر و برای جهانی مبتنی بر صلح و دوستی میان خلقها متحد شوند و مبارزه کنند.

بشریت و طبقه کارگر و زحمتکشان همواره روز اول ماه مه را به احترام مبارزه بر علیه نظام سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم و عدالت اجتماعی جشن خواهند گرفت.

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، روز تجلی اعتراض کارگران جهان علیه سرمایه داری

ادامه سرمقاله صفحه ۱

انتشار نشریه "کار داخل کشور" دوستان زیادی را خشنود، عده ای را شوکه و کسانی را ناراحت ساخته، کسانی که معتقدند اگر کاری باید انجام گیرد، حتما باید از کانال آنها و البته با اجازه ایشان باشد. هرچند که خود هم زیاد حال و حوصله کار کردن ندارند. عدم معرفی و ناآشنا بودن دست اندرکاران نشریه و مسائل امنیتی شاید دستاویز محکمه پسندی برای بایکوت خبری آن باشد، و یا دعوی حیدر- نعمتی اکثریتی بودن ما هم دلیلی است برای عده ای دیگر. روی سخن ما با کسانی است که ما و امثال ما را آلتزناتیو و یا بدیلی برای خود محسوب می دارند. دوستان ما باری را برداشته ایم که متأسفانه سالهاست شما بر زمین گذاشته اید، و مطمئینیم به تنهایی توان رساندن آن به سرمنزل مقصود را نداریم. ولی به یاری یاران آشنا و ناآشنای خود امیدواریم. البته انکار نمی کنیم که نگرانی امنیتی بخشی از دوستان بجاست. ما این نگرانی ها را درک میکنیم و بر آن ارج می نهیم. حتماً شما نیز نگرانی های امنیتی ما را که در کام افريت مرگ چنین رقص زندانه ای را شروع کرده ایم، درک می کنید. سعی خواهیم نمود در پروسه ای با این دوستان به تمامی منطقی دست یابیم، فقط اجازه دهید بخاطر محدودیت های فراوان برای ما، چگونگی آنرا هم ما تعیین کنیم.

هدف ما راه اندازی نشریه ای تئوریک- سیاسی در داخل کشور بود که بتواند خلق نسبی مطبوعاتی چپ و خصوصاً سازمان مان را در حد توان برطرف سازد، ما در نخستین شماره نشریه "کار داخل کشور" نوشتیم که: "در این نشریه سعی خواهیم کرد صدای همه فدائیان و کمونیست های داخل کشور را انعکاس دهیم، و در صفوف کارگران و زحمتکشان، در میان زنان و دانشجویان برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه کنیم. ما اقدام خود را مکمل دیگر صدهای چپ کشورمان می دانیم، و ضمن حمایت از جنبش چپ و مبارزه در این اردو کاستی ها و انحرافات تمامی جریانات چپ را نقد خواهیم نمود، ضمن آنکه تلاش خواهیم کرد از ارائه تصویری از خود بعنوان آلتزناتیوی برای دوستان دیگر دوری گزینیم. ما براین باوریم که پربار بودن نشریه و تداوم انتشار آن، نیازمند یاری شما رفقا و هم زمان داخل و خارج از کشور می باشد. با ارائه گزارش، اخبار و مقالات و نوشته ها و رهنمودهای خود ما را در این راهی که آغاز کرده ایم یاری نمائید." و همچنان بر این باوریم. از این رو دو مطلب از فعالین داخل کشور در این شمار گذاشته ایم. در شماره بعدی ما به علل تشمت صفوف چپ و راه کارهای برون رفت از این معضل خواهیم پرداخت. از دوستانی که بواسطه ایمیل برای انجام مصاحبه اینترنتی تماس می گیریم، انتظار داریم با همکاری خود، ما را در این راستا یاری نمایند.

"برگی از صفحات جنبش کارگری و کمونیستی ایران"

اعلامیه حزب کمونیست ایران

"اول ماه مه"

"ترجمه شده از متن روسی"

رفقای رنجبر و زحمتکش،

امروز روز اول ماه مه عید رنجبران جهان است. امروز روزی است که رنجبران قدرت تشکیلاتی و اراده دفاع از حقوق و منافع طبقاتی خود را ظاهر می سازند. امروز در سراسر جهان، رنجبران کار را ترک می گویند و روز کار را جشن می گیرند. در این روز رنجبران آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، و سایر کشورها، و البته روسیه آزاد، در خیابان ها تظاهرات برپا می کنند. شعار انقلابی و سرود های بین المللی رنجبران تمام جهان را به تکان در می آورد.

رنجبر ایرانی

تو یکی از افواج این ارتش قدرتمند و مهیب را تشکیل می دهی! تو باید در کنار رنجبران تمام جهان علیه بی قانونی های امپریالیسم، استبداد رژیم موجود، جنگ خونین سرمایه داران و زورگوئی های روز افزون کار فرمایان قد علم کنی: تو باید برای روز کار هشت ساعته بخاطر اعلام قوانین مدافع کارگر بپا خیزی!

برادران، رفقا!

شاه، مالکین ارضی، ملاها، نمایندگان مجلس، سران نظامی، حکام، کارمندان [عالی رتبه]، فرمانداران، و کلیه سرمایه داران بر شما حکومت می کنند و از طریق وسایلی که شما و دهقانان فلک زده تهیه می کنید به عشرت زندگی می کنند: اینان به حساب بردگی شما و فلک زندگی شما و دهقانان بدبخت ایرانی زندگی می کنند. امروز شما محکوم به فلاکت هستید. شما به فردا نه امیدی دارید و نه اطمینانی. شما مدام زیر تهدید بیکاری و فقر قرار دارید. دولت اشرافی کنونی هرگز از حقوق شما دفاع نکرده، و نخواهد کرد. این دولت نماینده و مدافع اشراف، ملاکین و سرمایه داران بزرگ ایران و همچنین دست نشاندگان امپریالیسم خارجی است.

نیروهای ملی و عناصر آزادی طلب که اکنون علیه رژیم مستبد و علیه فعالیت های جنایتکارانه، به خاطر آزادی، علیه مظلوم و بی قانونی های دولت بورژوا مبارزه می کنند، به حمایت شما احتیاج دارند. شما باید حامی و اساس این گروه های انقلابی، پیش قراولان جنبش آزادیبخش و انقلابی باشید.

رفقا، برای کسب حقوق خود، در زیر بیرق سرخ انقلاب متحد شوید! رنجبران و دهقانان ایرانی مدافع و حامی دیگری ندارند مگر فرقه کمونیست ایران که فرقه رنجبران است.

رفقای رنجبر، تظاهرات کنید، زیرا آزادی بشریت به اتحاد و تظاهرات رنجبران بستگی دارد. بپا خیزید، زیرا خیانت، ظلم، استبداد و خود سری دولت اشرافیت ایران حد و مرزی نمی شناسد. متحد شوید و برای ویران کردن اساس این ظلم و استبداد تظاهرات کنید.

زنده باد اتحاد بین المللی و همبستگی رنجبران!

زنده باد ستاد فرماندهی انقلاب جهانی، بین الملل سوم!

زنده باد اول ماه مه!

فرقه کمونیست ایران

اول ماه مه ۱۹۲۸ [۱۳۰۷]

ای کارگران عید شما امروز است

امروز برای کارگران نوروز است

روزی است که از طنطنه کورگری

سرمایه پرست در گداز و سوز است!

"شیوا"

اقدامی مشترک برای آزادی کارگران زندانی



دادگاه انقلاب سندج که با محکوم کردن محمود صالحی، فعال کارگری و از بنیان گذاران سندیکای خبازان سقز به دو ماه زندان به جرم ارتباط با خارج از زندان و ارسال پیام های حمایتی به دانشجویان و نوشتن نامه تشکر آمیز به کسانی که خواهان آزادی وی گردیده بودند، از آزادی وی که می بایستی در چهارم فروردین ماه انجام می گرفت خودداری نمود. در پی اعتراض سازمان ها و احزاب کارگری، سیاسی و حقوق بشری و نیز شخصیت ها و مقامات سیاسی - کارگری ایران و جهان همچنین عفو بین المللی، اتحادیه کارگران صنعتی جهان، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل اعتراض به این عمل غیر انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۷/۱۸ مجبور به آزادی وی گردید.

این اقدام جمهوری اسلامی به نظر می رسد در راستای پرونده سازی های اخیر علیه فعالین سندیکایی و کارگری و برای باز گرداندن آنان به زندان و یا تمدید دوران محکومیت شان می باشد. اتهامات جدید محمود صالحی که به استناد آن دوران محکومیت وی تمدید گردیده بود، هم به نظر می رسد اقدامی از همان دست باشد.

ما اقدامات ضد انسانی و ضد کارگری برای سرکوب جنبش کارگری و فعالین سندیکایی و کارگری را که از جمله تلاش ها و تمهیدات جمهوری اسلامی برای تسهیل غارت سرمایه داری لجام گسیخته و در راستای پیوستن به سازمان تجارت جهانی است، هم صدا با تمامی فعالین سیاسی - کارگری و مدافعان حقوق بشر جهان و کشورمان محکوم می نمایم. و بر این باوریم که کارگران در این مبارزه چاره ای جز وحدت و تشکیلات ندارند. چپ ایران در عرصه مبارزات کارگری و برای ایجاد و گسترش تشکل های سندیکایی نیازمند همکاری و اقدام مشترک می باشد.

در آستانه روز جهانی کارگر ضمن استقبال از آزادی محمود صالحی، از تمامی سازمانها و احزاب چپ و تشکل های کارگری دعوت می نمایم برای آزادی منصور اسانلو، بختیار رحیمی و دیگر فعالین کارگری، سیاسی و دانشجویی متحده عمل کنیم.



در همراهی و همدردی با کارگران زندانی

”آنکه با درد زبان گشود حقیقت گفت“

شکسپیر

سوار بر مرکب عشق و حرکت به سوی مقصد جز کار رهروان راستین درد آشنا و رنج کشیده و محنت دیده نیست، سالکان این طریق جملگی هم زادان درد انسان هاینده، گرچه با مرارت های شدید و سختی های جانکاه و جانفرسا دست و پنجه نرم می کنند. اما تاریخ همواره بر هنر و استعداد و کارآئی و توانائی و بردباری این نوع انسان ها شاهد و گواه بوده، و علیرغم نداشتن افسر و دیهیم آنان را خسروان عهد خویش قلمداد می نماید. باید بخاطر داشت که تنها کار عملی است که این آگاهی و بیش خردمندانه را در مغز و میدان مانور همه جانبه سوژه به ودیعت می گذارد، و چنان او را با آلام کارگران جهان همدم و همنوا می سازد که هیچ قدرتی را توان انکارش نیست. زیرا هر فعال محنت کشیده ای از دید عموم بر صف مقدم این حرکت قرار دارد. او نیازمند هیچ عنوان و مقامی نیست، بلکه تنها خواست بر حق توده های کار و زحمت او را کافی است.

در سالهای اخیر کم نبوده اند انسان های مبرز و نمونه، فعال و با شهامت که در عرصه سیاسی و اجتماعی کشورمان به میدان آمده و با حضور خود پرچم مبارزه را بر افراشته نگه داشته اند. از آن جمله اند صدها کارگر آگاه و شجاع در اقصی نقاط میهنمان، کارگران شرکت واحد، نیشکر هفت تپه، عسلویه، ایران خودرو، نانوایان سقز و ... می توان از محمود صالحی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، بختیار رحیمی و دهها کارگر جان بر کف و تترس و حق طلب، بی نام و نشانی نام برد که پرچم سرخ مبارزه طبقاتی را در اهتزاز دارند. انسان هایی وارسته و مبارز و مدافعان راستین طبقه کارگر که ماهها و سالهاست که در زندان ها و سیاه چال ها و زیر شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی و اعتصاب غذاهای طولانی ثابت نوده اند:

هر آنکس عاشقه از جون تترسه
که عشق از کنده و زندون تترسه
دل عاشق بود گرگ گرسنه
که گرگ از هی هی چوپون تترسه

(رقیبه دانشگری)

کارگران زندانی علیرغم رنج بردن از بیماری های و دردهای جسمانی که هم زاد آنان است، هم چون سدی محکم و استوار و تسخیر ناپذیر در برابر نامردی ها و حق کشی های استثمارگرانه توده های رنج دیده مقاومت می نمایند، تمامی مراجع بین المللی از جمله مدافعان حقوق بشر و سازمان های مدافع حقوق طبقه کارگر کاملاً بر این امر واقفند و همه روزه از طرف مراجع و منابع مختلف بین المللی از حاکمان ظلم و جور و پایمال کننده حقوق زحمتکشان ایران، آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی مطالبه میگردند، اما گوش استبدادبان و زورگویان کر و چشم شان کور و فلج شان چنان قسی و کین توز گشته که نه می شنوند و نه می بینند و نه احساس می نمایند. اما کارگران از خواست های قانونی و بر حق خود عدول نکرده و پیگیرانه در دفاع از حقوق حقه خویش در تلاشدند، و مصرانه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری می رزمند. خونی که در رگهای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، روزنامه نگاران در بند، دانشجویان زیر شکنجه، معلمان حق طلب، زنان مبارز و آزادی خواه جاریست چنان گرم و سیال است، که هر لحظه بر پایمردی و استقامت و استحکام اراده و توان پایداری آنان می افزاید. آنکه با درد زبان گشوده، از گفتن حقیقت ترسی به دل راه نخواهند داد. آنان بر این باورند، ” اگر خواهی افسانه شوی، افسانه نیک باید شد و نه افسانه بد و بیمار“

جرم کارگران زندانی دفاع از عمومی ترین مطالبات کارگران است. از حقوق ماه ها عقب افتاده، از بیمه بنا حق ملغی شده کارگران، از حق تأسیس سندیکاهای کارگری، از بی سرپناهی میلیون ها خانواده کارگران و زحمتکشانی که آلونکی و مأوانی ندارند، از تضییع حقوق کارگران غیر رسمی که بخش عمده ای از زحمتکشان این مملکت را شامل می شوند، از حقوق کارگرانی که در کارگاه های کوچک، معدنها و کوره پزخانه ها کار می کنند. از کارگرانی که در کارگاه ها بدون رعایت موازین بهداشتی در معرض انواع بیماری ها و آسیب ها قرار دارند. آری آنان نه برای خود بلکه از بهر هم سر نوشتان خود سربه عصیان و فریاد برداشته اند. بشنوید فریاد کارگران زندانی را که اعتراض کردند به خصوصی سازی های تاراج گرانه، به اجحاف گری ها و رانت خواری باندهای حاکم، به سندیکا ستیزان استثمارگر، به بورژواهای یک شبه میلیارد شده. در این پیکار سر نوشت ساز آنها تنها نیستند، توده های ستم دیده و زجر کشیده، حق طلب و در به در و بی خانمان شده، دانشجویان، کارگران، معلمان، روشنفکران قلم شکسته و زبان بریده، همه و همه همراه و هم دوش آنانند. توده های کار و زحمت چشم به راه و نگران، اما استوار و محکم فریاد بر می آورند که ” کارگر زندانی آزاد باید گردد“.

فراموش نخواهیم نمود. ” آنکه با درد زبان گشود، حقیقت گفت و هیچ حقیقتی کتمان شدنی نیست.“

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

می توان جهان بهتری ساخت

“تقدیم به زنان کارگر”

با پایان جنگ دوم جهانی آمریکا در حالیکه رقیبان بزرگ سرمایه داری خود را نابود شده میدید در راس ساختار امپریالیستی قرار گرفت، در طول جنگ دوم زنان بیش از هر زمان دیگر گروه گروه به نیروی کارگری می پیوستند و به کارهایی که پیشتر از انجام آن محروم بودند. پس از جنگ با گسترش پر شتاب سرمایه داری تعداد بیشتری از زنان به بازار کار کشانده شدند. این امر موجب استقلال اقتصادی و پیشرفت کیفی در وضعیت اجتماعی زنان شد. تحول در بینش اجتماعی، سیاسی و طبقاتی میلیونها زن که گرفتار کارهای خانگی (بردگی خانگی) و سنتی بودند و همچنین تغییر و دگرگونی در جایگاه زن در جامعه از پی آمدهای این فرایند بود.

موج اعتراضات و خیزش ها و اعتصابات کارگری سالهای ۴۶ - ۱۹۴۵ در اروپا و آمریکا با بن بست روبرو گردید ولی کارگران زن با مبارزه مستمر و پیگیر توانستند امتیازهایی را نظیر دستمزد برابر با مردان و شرایط کار برابر را بدست آورند. هر چند سرمایه داری با حرکت گسترده سیاسی وایدئولوژیک می خواهد دگرگونیهای به وجود آمده را از میان بردارد و با سیاست زدایی از مبارزات طبقه کارگر، با ایجاد ترس و دو دستگی و ناامیدی، با کاستن از آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران زن در پی آنند که کارگران زن را در قبال حقوق کمتر به کار وادارند. ایدئولوگ های سرمایه داری همواره تبلیغ می کنند که زنان خواه بخشی از نیروی کار و طبقه کارگر باشند یا نه، نخست و پیش از همه همسر، مادر و خانه دار می باشند.

بهره کشی سرمایه داری از زنان با استفاده از تبلیغات گسترده برای لوازم آرایشی و مد با اتکاء به رسانه های جمعی و با کمک گرفتن از سیستم آموزش همگانی و مجامع دینی، توانسته است تا حدودی فشارهای وارده بر زنان را در خود درونی و جذب کند، و ناآگاهانه نقش و جایگاهی را که جامعه برای آنها تعیین کرده بود را بپذیرند. تجارت سکس شکل جدید بردگی است که موضوع آن میلیونها زن و کودکی است که با گسترش جهانی سازی به عنوان کالاها جنسی ارائه می شوند.

یکی از مهمترین عرصه های پیشرفت و موفقیت اجتماعی زنان ورود زنان به کارهای صنعتی و تخصصی بود. کار زنان در صنایع اتومبیل سازی، فولاد و معدن و ... باعث بالا رفتن میانگین دستمزد و مزایای بهتر برای زنان شد. البته هنوز هم زنان کارگر مورد تبعیض و تعصب و آزار و اذیت جنسی در محیط کار قرار می گیرند. تبعیض جنسی خود تضعیف گر جنبش کارگری است. این قشر از کارگران زن (بخش صنعتی) جزء آگاه ترین و پیگیری ترین کارگرانی هستند که در اتحادیه ها، سندیکاها و سازمانهای مدافع منافع کارگران فعالیت و مبارزه می کنند.

هدف سرمایه داری از یورش به حقوق زنان اساساً بیرون کشیدن زنان از جریان کار نیست. چرا که نه شرایط و روند تاریخی این امکان را به سرمایه می دهد، و نه سرمایه که همیشه جویای نیروی کار ارزان است در پی چنین امری است. زنان بعنوان آسیب پذیر ترین و ستم دیده ترین اقشار اجتماعی از اهداف سرمایه داری برای بهره کشی بیشتر با دستمزد کمتر جهت کسب سود بیشتر است. یورش اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک سرمایه علیه زنان بدنبال کم رنگ ساختن آگاهی های طبقاتی، اجتماعی و سیاسی زنان کارگر که بخشی از طبقه کارگرنند، با برجسته کردن نقش خانگی زنان و اینکه مسئولیت واقعی زن وقتی شروع می شود که از سر کار به خانه بر می گردد، و اینکه زنان دارای نقش درجه دو در اجتماع هستند و باید پیوسته به مردی وابسته باشند، با هدف ایجاد شکاف در صفوف طبقه کارگر و تضعیف صفوف متحد کارگران بکار گرفته می شود. “برای نیل به این هدف سرمایه سود مدار با ایجاد رقابت بین کارگران زن و مرد برای یافتن کار میانگین ارزش کار را کاهش میدهد و دستمزدها را پایین می آورد در حالیکه بخش عمده نیروی کار بیکار را زنان تشکیل می دهند.” (مارکس - سپاه ذخیره کار)

سرمایه داری همیشه نیازمند نیروی ذخیره کار به صورت کارگران موقت، پاره وقت، نیم وقت و کارگران خانگی بوده است. ارزش نیروی کار زنان نسبت به مردان کمتر و فشار ناشی از بیکاری موجب گشته زنان بی تشکیل و بدون برخورداری از حقوق اولیه و انسانی خود وارد بازار کار شده و مورد بهره کشی و اهانت و تعرض واقع شوند. سرمایه داری می خواهد و مسئولیت بیکاری کارگران مرد را به گردن زنان کارگر بیندازد و زنان در دشواریهای اقتصادی و اجتماعی خود را سرزنش کنند نه مناسبات اجتماعی و تولید سرمایه داری را که عامل تمامی دشواری ها، فلاکت ها و فجایع بشری است.

نظم کنونی جهانی بر پایه چنان سیستمی از غارت و استثمار استوار گشته که در طول تاریخ سابقه نداشته است. شرکتهای فراملیتی گردانندگان اصلی اقتصادی جهان هستند. صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی روند جهانی سازی و خصوصی سازی را بر پایه منافع و خود پیش می برند. فقر و بیکاری، نابرابری و افزایش شکاف طبقاتی، جنگ و خشونت، عدم امنیت، تبعیض نژادی و جنسی، فحشا و قاچاق انسان از پیامدهای جهانی سازی نئولیبرالیستی و از خصایص ذاتی سرمایه و نتیجه انباشت سرمایه است. جهانی سازی که مهمترین شالوده ساختاری زنانه شدن فقر و بی ارزش شدن کار زنان است، همچنین دلایل بنیادی انقیاد زنان به نظام سرمایه داری را افزایش داده است. تاریخ سرمایه داری نشان داده است که چشم انداز آزادی زنان از مبارزه برای رهایی طبقه کارگر جدا نیست.

مذهب و حتی جنبش اصلاح طلبی مذهبی که با تولد سرمایه داری امکان رشد پیدا کرد، متقابلاً به شکل گیری و رشد سرمایه داری کمک نمود. فرهنگ مرد سالارانه باز تولید شده از مناسبات سرمایه داری، با دیدگاهی که بر جداسازی مردان از زنان، جداسازی محل کار، مردانه و زنانه کردن کارهای صنعتی و خدماتی، ممنوعیت تحصیل دختران در برخی از رشته های تحصیلی و تبلیغ و ترویج نقش همسری و مادری برای زنان، ارتجاعی ترین نظرات را همگام با سرمایه داری پیش می برد.

در این مبارزه تلاش برای ارتقاء آگاهی های طبقاتی، سیاسی و دموکراتیک، مبارزه برای سازمان یابی و تشکل، اتحاد زنان کارگر، مبارزه برای اتحاد جهانی بر علیه جهانی سازی نئولیبرالی و علیه جنگ، مبارزه بر پایه منافع فوری طبقه کارگر برای افزایش دستمزد، مقابله با خصوصی سازی، بهبود شرایط کار و... روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می کند.

سوسیالیسم یک ضرورت تاریخی و آلترناتیو سرمایه داری است، سوسیالیسم شرط لازم بر اداره زندگی انسان و بقاء طبیعت است. هر روز بیشتر از قبل بر این باور راسخ تر می شویم که می توان جهان بهتری ساخت.



رفع ستم جنسی ، در گرو مبارزه علیه سرمایه داری و ارتجاع حاکم

”شمه ای از تاریخچه ی جنبش سندیکائی و اتحادیه ای کارگران ایران“

فدراسیون سندیکائی جهان در آمد. در آن زمان احزاب کارگری و ملی کشور، حتی دولت و وزارت کار، شورای متحده مرکزی را به رسمیت شناختند و حق نمایندگی در شورای عالی کار به شورای متحده مرکزی داده شد.

در خرداد ۱۳۲۴ اولین اعتصاب ۶ روزه یک هزار کارگر نفت در کرمانشاه صورت گرفت. سال بعد ۱۰ هزار نفر از کارگران نفت آغاچاری به مدت ۱۴ روز در اعتصاب بودند. عدم رسیدگی به خواست های کارگران ۲ ماه بعد موجب اعتصابی ۱۰۰ هزار نفری گردید، که علاوه بر خواست های صنفی خواست های سیاسی از جمله عدم دخالت عمال انگلیسی در شرکت نفت را در پی داشت. فعالیت و نقش حزب توده ی ایران در این جریان کاملاً مشهود بود.

محمد رضا پهلوی پس از شکست فرقه ی دمکرات آذربایجان فرصتی مناسب برای یورش به تشکل های سندیکائی را بدست آورده بود. ارتجاع سلطنت به یاری امپریالیست های انگلیس و امریکا در سال ۱۳۲۶ به صورت وحشیانه ای شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران و سندیکا های سراسر کشور را مورد تهاجم خود قرار داد. در سال ۱۳۲۷ با صحنه سازی ترور شاه، فعالیت شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران و سندیکا های کارگری و حزب توده ایران را ممنوع و غیر قانونی اعلام نمودند.

طبقه ی کارگر ایران با تشدید مبارزات و اعتصابات در منطقه نفت خیز خوزستان و در سایر نقاط کشور منجمله کارگران کارخانه شاهی در ۱۳۲۹ مقاومت شایان توجهی از خود نشان دادند. مقاومت قهرمانانه کارگران نفت در سال ۱۳۲۹ کمک مؤثری به ملی شدن نفت توسط دولت مصدق نمود. در جریان این اعتصابات ۱۸ کارگر و ۳ کودک به هلاکت رسیدند. بالاخره بدنبال مبارزات و افت و خیزهای مکرر، انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ با شور و شوق عظیم کارگران و زحمتکشان ایران به بار نشست.

- تشکل های کارگری بعد از انقلاب ۵۷

با اوج گیری انقلاب در سال ۵۷، کارگران در پیشاپیش توده های میهن مان به حرکت در آمدند، و با سازمان دهی کمیته های اعتصاب در مراکز کار اعتصاب سراسری را در کشور به راه انداختند. با پیوستن کارگران نفت به اعتصاب در تیر ماه ۵۷ حرکات کارگری به اوج خود رسید. از درون کمیته های مخفی اعتصاب شوراهای کارگری در اکثر کارخانجات و موسسات صنعتی شکل گرفت، و در کوتاه ترین زمان شوراهای کارگری کارخانجات توانستند مدیریت موسسات و کنترل تولید و توزیع را بدست گیرند. از بهم پیوستن شوراهای سازمانی کارگری تحت نام ”خانه کارگر“ متولد شد. تشکیلات ”خانه کارگر“ محل تجمع فعالین کارگری تهران و شهرستان ها گردید.

همراه با این تشکل سراسری، در شهرهای بزرگ کشور ”انجمن همبستگی“ کارگران عمدتاً از تجمع کارگران صنوف و کارگاه های تولیدی کوچک شکل گرفت. مبارزه علیه طرح های ارتجاعی و واپسگرایانه قانون کار که در قانون کار پیشنهادی احمد توکلی وزیر کار وقت منتهی می گردید و برای تصویب قانون کار مترقی و متناسب با خواست کارگران از اقدامات عملی و مؤثر این دو تشکل کارگری بود.

با شروع جنگ خانمان سوز که هدیه ای آسمانی برای جمهوری اسلامی بشمار می رفت، فرصت لازم برای سرکوب جنبش مستقل کارگری بدست آمد. احزاب و سازمان های مدافع کارگری غیر قانونی و سندیکاها و اتحادیه های کارگری منحل شدند. نشریات کارگری توقیف، فعالین کارگری از کار اخراج و تحت پیگرد قرار گرفتند. هزاران کارگر مبارز دستگیر و بیش از پانصد کارگر به جوخه های اعدام سپرده شدند. عده گیزی از کارگران نیز مجبور به ترک محل کار و زندگی خود شده یا به تبعید رفتند. شوراهای کارگری یکی پس از دیگر منحل و با تصویب لایحه ای قانونی شوراهای اسلامی کار جایگزین آنها شدند. با تهاجم قداره بندان و چماق بدستان جمهوری اسلامی به خانه کارگر این نهاد مستقل کارگری از دست کارگران در آمده، در اختیار مزدوران کارگستیز رژیم قرار گرفت. از آن پس اشخاصی همچون محبوب، کمالی، ربیعی، سرحدی زاده که هر کدام بعدها به وزارت و نمایندگی مجلس رسیدند، هدایت این تشکیلات دولتی شده را بر عهده گرفتند.

طی سه دهه مافیای حاکم بر تشکل های رسمی کارگری بعنوان عامل تفرقه و سرکوب جنبش های مستقل کارگری عمل نموده. از آن جمله است حمله سندیکای مستقل شرکت واحد و سرکوب فعالین کارگری، همکاری با ارگان های اطلاعاتی و امنیتی در تقابل با حرکت کارگران ایران خودرو دیزل، لاستیک سازی البرز، نیشکر هفت تپه و ...

با شکل گیری تشکل های مستقل کارگری و کمیته هایی برای احیاء سندیکاها و اتحادیه های کارگری و کارگران بیکار، گسترش اعتراضات کارگری از جمله اعتصابات کارگری که علیرغم منع قانونی بلاانقطاع در سراسر کشور شاهد آن هستیم، همگی نشان از آینده ای روشن برای جنبش کارگری کشورمان دارد، اگر فعالین کارگری و احزاب و سازمان های مدافع حقوق کارگران نیروی ناتوان گشته خود را صرف مبارزه بر علیه یکدیگر نمایند.

جنبش سندیکائی و اتحادیه ای ایران در دوران انقلاب مشروطیت توسط کارگرانی که در باکو و عشق اباد کار کرده و به وطن بازگشته بودند بنا نهاده شد. این کارگران که عموماً با افکار سوسیال دموکراسی آشنا بودند تاثیر عمیق خود را بر روی دیگر کارگران ایرانی نیز گذاشتند. هم چنین حرکت های انقلابی ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ تحولی ملموس در کارگران ایران به وجود آوردند. در سال ۱۲۸۴ در چاپخانه ای کوچک در تهران نخستین اتحادیه کارگری تأسیس شد. هم زمان با اتحادیه کارگران چاپخانه ها در دیگر کارخانه ها نیز این امر رو به نضج نهاد، تا اینکه کارگران مشهد، تبریز، انزلی و دیگر نقاط کشور را هم در بر گرفت. شعارهای مزد عادلانه، هشت ساعت کار در روز، زمین برای دهقان، جمهوری ... سر داده شد.

با سرکوب انقلاب مشروطه از طرف استبداد، جنبش سندیکائی و اتحادیه ای نیز مورد هجوم واقع گردید، تا مانع از رسوخ افکار پیشرفته و سوسیال دموکراسی و مشروطه خواهی شود. در این بین منافع صنفی و طبقاتی کارگران بطور آشکارا مورد تعرض قرار گرفت. کارگران پیشرو ایرانی که مدافعان حقیقی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بودند، پس از جریان انقلاب مشروطه تا سالهای قبل از پیروزی انقلاب اکتبر آماج شدید ترین حملات ارتجاع داخلی و خارجی قرار داشتند، و ارتجاع سلطنتی قاجار، امپریالیست های روس و انگلیس از هیچ گونه جنایتی در حق آنان خودداری نمی نمودند.

- دوران رشد گسترده ی جنبش سندیکائی پس از پیروزی انقلاب اکتبر

هنگامی که ارتجاع داخلی و همدستان خارجی شان جنبش سندیکائی و اتحادیه ای ایران را دفن شده می پنداشتند، زحمتکشان ایران با خیزشی مجدد سر بر افراشتند. و با تأثیر پذیری از انقلاب اکتبر به بسط جنبش های سندیکایی دست زدند. در سال ۱۳۲۹ تعداد اتحادیه های کارگری تهران به ۱۵ رسیده بود، در سال ۱۳۰۰ شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایجاد گردید که هدف ان رهبری جنبش سندیکائی و اتحادیه ای در سطح کشور بود. در عرض ۴ سال بیش از ۳۰ هزار کارگر و کارمند زیر پرچم شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای گرد آمدند. تحت تأثیر همین جنبش بود که در فاصله ی سالهای ۱۳۰۰-۱۳۰۴ چندین اعتصاب بزرگ، از جمله اعتصاب ۱۴ روزه کارگران چاپخانه ها و اولین اعتصاب کارگران نفت ابدان انجام گرفت. دولت وثوق الدوله روزانه ۸ ساعت کار، آزادی فعالیت سندیکاها و جشن اول مه را قبول نمود.

کارگران با طرح خواست های سیاسی و دفاع از آزادی های دمکراتیک بر علیه تسلط استعمار امپریالیسم به مبارزه برخاستند. از مهم ترین وقایع کارگری این دوره وصل شدن کارگران ایران به انترناسیونال کارگری بود. شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای ایران به عضویت سازمان بین المللی کارگران سندیکای جهانی کارگران پذیرفته شدند.

- سالهای خفقان (۱۳۲۰-۱۳۰۴) و جنبش سندیکائی

سرکوب جنبش سندیکائی و اتحادیه ای و جلوگیری از فعالیت های سندیکائی و اتحادیه ای و غیر قانونی ساختن فعالیت حزب کمونیست، در فاصله ی ۱۳۱۰-۱۳۰۴ به تصویب قانونی معروف به ”قانون سیاه“ انجامید. رضاخان با راهبری های اربابان انگلیسی اش مدافعان آزادی و استقلال و ترقی کشور را آماج حملات خود ساخت، اما جنبش سندیکائی و اتحادیه ای در زیر ضربات سنگین با اعتصابات و اعتراضات در شرکت نفت و صنایع نساجی و سایر کارخانجات به مبارزه علیه استبداد و امپریالیسم انگلستان و علیه چپاولگران و زور گویان ادامه دادند و پای ننشستند. در اوج سال های دیکتاتوری، کارگران شرکت نفت ساعت کار را به ۹ ساعت در روز تقلیل دادند. اتحادیه ی مخفی کارگران راه آهن با برگزاری اعتصاب ۸۰۰ نفری، نمونه ای از قدرت یابی مجدد و رو به رشد کارگران ایرانی را به نمایش گذاشت. رضاخان در سوم شهریور توان و قدرت نیروی مصمم و پایداری را که بسان آتشی از زیر خاکستر سر بر آورده بود را به عینه لمس کرد.

- دوران شکوفایی جنبش سندیکائی در ایران (۱۳۳۲-۱۳۳۰)

جنبش کارگران ایران از سال ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۶ فعالیت علنی داشت و تعداد کارگران صنایع ماشینی بیشتر شده بود. با بکارگیری تجربیات گذشته طی آن سال ها گام های مهمی در راه گسترش سندیکاها برداشته شد. در این سالها ابتدا اتحادیه های مختلف کارگری و سندیکاها شکل گرفتند و از اتحاد آنها شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران با ۳۰ هزار عضو در ۱۳۲۱ با پا به عرصه وجود گذاشت. بالاخره شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه ۱۳۲۳ تأسیس گردید. که این امر متقابلاً در تسریع تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری در بخشهای مختلف نقش بسزایی داشت. از آن جمله تشکیل سندیکای کارگران نفت و پیوستن آن به شورای متحده مرکزی تحت نام سندیکای کارگران نفت خوزستان، دستاورد مهمی بود. بدین ترتیب وحدت کامل جنبش سندیکایی ایران در سراسر کشور تأمین گردید. بیش از ۳۰۰ هزار کارگر ایرانی زیر پرچم شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران، به عنوان مهم ترین سازمان سندیکایی ایران و خاور میانه گرد هم آمدند. این تشکل در سال ۱۳۲۵ از طرف فدراسیون جهانی کارگران مورد شناسائی قرار گرفت و به عضویت

از میان رویدادهای کارگری در یک سال گذشته

کنفدراسیون بین المللی کارگران و فدراسیون جهانی کارگران حمل نقل ۱۶ اسفند ۸۶ را روز همبستگی با سندیکای کارگران شرکت واحد و عموم کارگران ایران و آزادی منصور اسانلو و دیگر کارگران زندانی تعیین کرده بود.

به این مناسبت یک تجمع کارگری در میدان گاز سنندج سازماندهی گردید، هم چنین در کشورهای کانادا، فلسطین، عراق، کره ی جنوبی، نروژ، پرتغال، اکراین، فرانسه، بلژیک، انگلستان، اردن، مراکش، یمن، کویت، بحرین، لبنان، تایلند، آلمان، هندوستان، اسپانیا، لیتوانی، رومانی، روسیه، دانمارک- سوئیس، لوگزامبورگ، ایتوبی، ژاپن، اندونزی، استرالیا، هنگ کنگ، زلاندنو، ترکیه و سایر کشورهای جهان هزاران کارگر و شهروند با صدای بلند خواهان آزادی سریع و بدون قید و شرط منصور اسانلو و محمود صا لحي شدند.

اعتراضات کارگران و کارکنان در صنعت پتروشیمی: پس از اعلام واگذاری صنایع پتروشیمی به بخش خصوصی در اوایل آبان ماه ۸۶ و فروش سهام صنایع پترو شیمی اراک، اصفهان و خارک در بازار بورس پنجم آبان کارکنان پتروشیمی اراک دست از کار کشیده و با برگزاری چند تجمع اعتراضی خواهان لغو تصمیم مدیریت صنایع پترو شیمی شدند.

هفتم آبان ماه با پیوستن کارگران پتروشیمی اصفهان و خارک به کارگران اراکی اعتراض جنبه ی سراسری به خود گرفت. از دهم آبان ماه کارگران پتروشیمی اصفهان و اراک نیز اعتصاب کردند. هزاران کارگر صنایع پتروشیمی اصفهان، اراک و خارک مجدداً در ۲۶ و ۲۸ آبان دست به اعتصاب و تجمع زدند و تا درب ورودی کارخانه راه پیمایی کردند. سی ام آبان هیئتی از طرف کارگران پتروشیمی ابادان جهت پی گیری خواستههای خود به وزارت نفت در تهران اعزام شدند. یکم آذر گروهی از نمایندگان کارگران و کارکنان شرکتهای پتروشیمی ابادان، اصفهان، خارک و اراک به مجلس شورای اسلامی رفتند و به نمایندگان مجلس و وزیر کشور اعلام کردند که در صورت عدم پاسخ مثبت به خواسته ها ایشان دست به اعتصاب سراسری و متحده خواهند زد. سوم آذر کارگران پتروشیمی اراک در سالن آمفی تاتر تجمع کرده و اعتراض خود را نسبت به بی تفاوتی مسؤولین اعلام نمودند. در اقدامی دیگر بیش از هزار نفر از کارکنان پتروشیمی اراک در اعتراض به بی توجهی مسؤولین به خواسته هایشان از گرفتن غذا خودداری کرده و غذای پتروشیمی را به بهزیستی اراک فرستادند. کارگران و کارکنان پتروشیمی هم صدا با کارگران ایران خواستار توقف خصوصی سازی، توقف اخراج کارگران، افزایش دستمزدها متناسب با تورم، حق تشکّل مستقل، حق اعتصاب و حق کار و بیمه ی بیکاری مکفی برای همه ی کارگران و افراد آماده ی به کار هستند و مبارزه هم چنان ادامه دارد.

زنان کارگر: علاوه بر میلیون ها زن خانه دار با وضعی فلاکت بار و رقت انگیز، هزاران کارگر زن شاغل در مؤسسات اقتصادی نیز مشابه زنان خانه دار شدیداً مورد تبعیض قرار می گیرند. بر پایه آمار در چند سال اخیر زنان اصلی ترین قربانیان اخراج و بیکاری و تعدیل نیرو هستند. بخش بزرگی از زنان کارگر با رواج قراردادهای موقت طی دو دهه ی اخیر وادار به عقد قراردادهای سفید و یا حتی پرداخت سفته برای استخدام مجدد شده اند. سؤ استفاده از فقر زنان کارگر و تحمیل شرایط غیر انسانی به آنها فقط از سوی سرمایه داران و دلال ها صورت نمی گیرد. سیاست دولت جمهوری اسلامی نیز کاملاً در جهت دادن پوشش قانونی به این سؤ استفاده هاست. زنان در کوره های آجر پزی از هیچ حقوق و مزایای قانونی بهره مند نمی باشند، بخش دیگری از زنان نیز در کارگاههای زیر ده نفر کار می کنند که سیستم کارمزدی در آنها غالب می باشد، این زنان مواد اولیه را از کارفرمایان تحویل می گیرند و با ابزار کار و هزینه های مصرفی خود مواد خام را با کار شبانه روزی در کنار وظایف منزل میل به کالاهای آماده برای فروش می سازند و به ازای کالای تولید شده مبلغ بسیار اندکی دستمزد دریافت می دارند. از کارهایی که این زنان به آن مشغول می باشند می توان به تولید پوشاک، خیاطی، قالبیابی، خشک کردن سبزی، گلدوزی و ... را نام برد.

تغییرات در ترکیب شورای عالی کار: دولت احمدی نژاد با استفاده از تعطیلات نوروزی ترکیب شورای عالی کار را که مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار متشکل از سه نفر نماینده کارگران، سه نفر نماینده کارفرمایان و سه نفر نماینده دولت بود، با افزایش یک جانبه نمایندگان دولت از سه نفر به پنج نفر، عملاً قدرت تصمیم گیری در خصوص موارد مهمی هم چون افزایش حداقل دستمزدها را در اختیار گرفت.

موج اخراج کارگران بعد از عید: رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کشور گفته است موج اخراج دسته جمعی کارگران قراردادی که از روزهای پایانی سال ۸۶ آغاز شده بود همچنان ادامه دارد و بسیاری از کارگران با اتمام قراردادهایشان و عدم انعقاد مجدد قرارداد بیکار شده اند. بطوریکه بیش از ۵۰ هزار کارگر قراردادی در سراسر کشور در روزهای آغازین سال ۸۷ شغل خود را از دست داده اند. لازم بتوضیح است که بیش از ۶۵ درصد کارگران کشور به صورت قراردادی در کارهای دائم به کار گرفته می شوند.

اعتراض در کارخانه لاستیک سازی البرز: کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز با بیش از ۱۰۰۰ کارگر در ۲۲ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان در چند ماه گذشته، با آتش زدن لاستیک های فرسوده جاده تهران - اسلام شهر را مسدود کردند. روز دو شنبه ۲۶ فروردین خانواده های کارگران بازداشت شده در اعتراض به باز داشت آنها و برای آزادی شان، در مقابل پاسگاه احمد آباد مستوفی تجمع کردند. تعداد کارگران بازداشتی در این پاسگاه به ۴۰ نفر می رسد. کمیسیون همبستگی بین المللی اتحادیه های کارگران صنعتی جهان به دستگیری و ضرب و شتم این کارگران بشدت اعتراض کرده است.

اعلام مو جودیت اتحادیه ی سراسری کارگران اخراجی و بیکار: هیئت مو سس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار فعالیت خود را با راه اندازی سایت اینترنتی با مشارکت کارگران برخی واحد های کارگری تهران و سنندج و کرمانشاه شروع بکار کرد. اتحادیه از اول سال ۸۶ شروع به عضو گیری کرد، و اولین مجمع عمومی خود را در تاریخ ۲۴/۱/۱۳۸۶ در سنندج و با حضور ۱۴۹ نفر از اعضا تشکیل داد. در این مجمع اساسنامه اتحادیه به تصویب رسید و هیئت مدیره و بازرسان اتحادیه انتخاب شدند.

در تاریخ ۱/۱۳۸۷/۳۰ مجمع عمومی اتحادیه آزاد کارگران ایران (اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار) علیرغم دوری راه با حضور بیش از ۱۰۰ نفر نماینده کارگران از شهرهای مختلف از جمله قم، تهران، عسلویه و... در شهر سنندج برگزار شد. این مجمع پس از تصویب اساسنامه و تصویب نام اتحادیه آزاد کارگران ایران به جای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، و انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسان در ساعت ۱۶ به کار خور پایان داد.

بازداشت محمود صا لحي از بنیانگذاران انجمن صنفی خباز شهر سقز: محمود صا لحي که در جریان برگزاری تظا هرات اول ماه مه سقز در سال ۸۳ دستگیر و با وثیقه آزاد شده بود. نهایتاً در سال ۸۶ به یک سال زندان محکوم و از اواخر فروردین ۸۶ در زندان مرکزی شهر سنندج زندانی گردید. صالحی که از بیماری شدید کلیه رنج می برد، همراه با تهدیدها و فشارهای جسمی و روانی و در اعتراض به نقض حقوق خود مدتی را در اعتصاب غذا بود. طی یکسال زندان این فعال کارگری مرتباً از طرف تشکلهای کارگری، زنان، دانشجویان و آزادیخواهان ایران و جهان مورد حمایت قرار گرفت. روز جمعه ۱۶ آذر هیئتی ۱۱ نفره متشکل از نمایندگان اتحادیه ی اروپا، فعالان کارگری اروپا و یک نفر از سازمان ملل با همسران سه فعال کارگر زندانی - منصور اسانلو، ابراهیم مددی و محمود صا لحي- در دفتر سازمان ملل در تهران دیدار کردند.

و نقل خواهان اقدام فوری برای آزادی محمود صا لحي شدند.

در ۴ فروردین ۸۷ تجمعی با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از فعالین کارگری از شهر های مختلف ایران در جلو زندان سنندج به عمل آمده و خواهان آزادی او شدند. نهایتاً تحت فشار فعالان کارگری - سیاسی و آزادی خواهان ایران و جهان محمود صالحی در اواسط فروردین ۸۷ از زندان آزاد گردید.

اعتراضات و اعتصاب در کارخانه ی نیشکر هفت تپه: در ۷ آبان ماه ۸۶ حدود ۱۱۰۰ نفر از کارگران قسمت نی بری در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه ی فصل جدید دست به اعتصاب زدند. بدنبال این حرکت وزارت اطلاعات رژیم در چندین مرحله با اتهاماتی واهی مبادرت به دستگیری نمایندگان کارگران نمود، که در هر مورد با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه و مجبور به آزادی آنان شد. از نکات جالب توجه آنکه مسؤول حراست کارخانه که در سرکوب اعتراضات کارگران نقش اساسی دارد، خود از بزرگترین مالکان مزارع نیشکر می باشد.

روز دوشنبه ۱۹/۹/۱۳۸۶ کارگران در اعتراض به حقوق معوقه در محوطه کارخانه اقدام به تجمع نمودن، که مدیریت کارخانه بعد از ۴ ساعت موافقت خود را با پرداخت حقوق معوقه اعلام نمود. همزمان در کاغذ سازی پارس که بیش از ۱۰۰۰ کارگر در آن شاغل می باشند و از شرکتهای زیر مجموعه ی طرح نیشکر هفت تپه می باشند در پی به تعویق افتادن حقوقشان بعد از سه روز اعتصاب به خواستهها یشان رسیدند.

روز دوشنبه ۱۰ دی ۸۶ کارگران نی بر در اعتراض به محرومیت شان در استفاده از امکانات درمانی دفترچه های بیمه علیرغم پرداخت حق بیمه، و عدم پرداخت حقوق خود تا ۱۳ آذر علیرغم توافق با مدیریت کارخانه دست به اعتصاب زدند.

کارگران بخش کشاورزی نی بر مجدداً از روز سه شنبه ۱۳۸۶/۱۴/۱۲ دست به اعتصاب زدند و با وعده پرداخت مطالباتشان به اعتصاب خود پایان دادند.

از صبح چهار شنبه ۱۳۸۶/۱۵/۱۲ کارگران کلیه ی خطوط تولید در داخل کارخانه در یک اقدام هماهنگ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بهممن ماه دست به اعتصاب زدند.

کارگران قسمت های مختلف این شرکت از صبح روز شنبه ۲۴ فروردین در مقابل دفتر مدیریت تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوق و پاداش معوقه و رسیدگی به سایر خواسته های خود شدند. تعداد کارگران شرکت کننده در این تجمع نزدیک به ۳۰۰۰ نفر تخمین زده شده است.

مدیریت کارخانه در ابتدای اعتصاب به کارگران گفته ما تا آخر فروردین ۸۷ قادر به پرداخت حقوق شما هستیم و بعد از آن حقوق شما را پرداخت نخواهیم کرد. ولی کارگران اعلام کرده اند تا رسیدن به خواستههای خود به اعتصاب و اعتراضات ادامه خواهند داد.

سندیکای شرکت واحد تهران و حومه: جمهوری اسلامی پس از اینکه برای محواین تشکّل مستقل و دمو کراتیک کارگری به هر اقدامی دست یازید، اقدام به دستگیری و زندانی کردن منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران نمود. که با اعتراض شدید فعالان کارگری، سیاسی، زنان، دانشجویان ایران و آزادیخواهان و فعالین کارگری و حقوق بشری جهان روبرو گردید.

ابراهیم مددی نائب رئیس سندیکا ۱۸ مرداد سال ۱۳۸۶ در حین مراجعه به منزل اسانلو برای ابراز همدردی با خانواده ی وی در جلو منزل ایشان دستگیر ودر شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود، با اعتراض ابراهیم مددی و وکلایش در دادگاه تجدید نظر از اتهامات انتسابی تبرئه وپس از ۱۲۷ روزدر تاریخ ۲۵/۹/۱۳۸۶ از زندان آزاد شد.

پاسخ به نامه "جمعی از مادران و خانواده های جان باختگان فدائیان خلق" هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

توضیح: مدتی قبل نامه ای با امضای "جمعی از مادران و خانواده های جان باختگان فدائیان خلق" خطاب به شورای مرکزی بدست مسئولین سازمان رسید. نامه بدون اسامی امضاکنندگان بود. با این وجود نامه را در کارآنلاین منتشر کردیم و خود را موظف دیدیم به مسائلی که در آن مطرح شده است، پاسخ دهیم. تلاش های ما برای مشخص شدن اسامی امضاکنندگان به جایی نرسید و این امر، پاسخ به نامه را به تاخیر انداخت. امیدواریم بعد از انتشار پاسخ، اسامی امضاکنندگان را دریافت بکنیم.

واقعیت این است که سازمان ما در هیچ مقطعی از حیات خود از آرمان های سوسیالیستی و سوسیالیسم روی بر نتافته و همواره بر باور خود به آن پای فشرده است. آن چه ما از آن فاصله گرفته ایم، نگرشی است که "سوسیالیسم عملاً موجود" را ساخته بود ما نه با آرمان های سوسیالیستی، بلکه با آن نظام توتالیتریستی که زیر عنوان "سوسیالیسم" در دوره استالین مرتکب اقدامات جنایت آمیز علیه مردم شوروی و علیه اندیشه سازان و کنشگران فکر و عمل سوسیالیستی شد، فاصله گرفته ایم. فروپاشی "سوسیالیسم عملاً موجود" آوار سنگینی بود که بر سر نیروهای چپ فرو ریخت. برخی از نیروهای چپ از اندیشه سوسیالیستی فاصله گرفتند، سرمایه داری را کشف کردند و به ستایش آن پرداختند. بخشی دیگر همچنان چشمان خود را بر این رویداد عظیم بستند و در همان جایی ماندند که قبلاً بودند. جهان بر اثر این رویداد لرزید ولی فکر آن ها تکلیفی نخورد و همچنان جامد ماند. ما نه راه اول را برگزیدیم و نه راه دوم را. نه راه نفی آرمان ها و آماج های انسانی خود را و نه جمود فکری را. ما راه دیگری را انتخاب کردیم. راه نقد و جستجویی که سنت جنبش فدائی است. راه پایبندی به آرمان ها و اندیشه سوسیالیستی و نقد نگرش های حاکم بر "سوسیالیسم عملاً موجود". راه بازنگری اندیشه سیاسی چپ.

ما در نقد خط مشی سیاسی سازمان در دوره ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱ به این دریافت رسیدیم که مطلق کردن و اصل قرار دادن مبارزه ضدامپریالیستی و کم بها دادن به آزادی های سیاسی و امر دمکراسی موجب شکل گیری سیاست حمایت از جمهوری اسلامی گردید که ضربات جدی به سازمان ما و جنبش دمکراتیک کشور زد. ما در روند بازنگری اندیشه ها، دمکراسی و الزامات ناشی از آن را پذیرفتیم و دریافتیم که مبارزه برای آزادی و دمکراسی، باید جای شایسته خود را در نگاه ما و در مبارزه علیه استبداد مذهبی پیدا کند.

مخالفت ما با مناسبات سرمایه داری و باور ما به مبارزه طبقاتی تغییری نکرده است. از نظر ما: "سرمایه داری سرچشمه ستم طبقاتی، بی عدالتی، بهره وری غارتگرانه از طبیعت، جنگ و بیکاری توده های و منشأ بسیاری از نابسامانی ها و ناهنجاری های اجتماعی است. سرمایه داری در آستانه قرن بیست و یکم آشکارا ناتوانی خود را در پاسخگویی به معضلات بشر که خود موجد بسیاری از آن ها بوده است، نشان می دهد." (سند دیدگاه ها و آماج ها).

نگاه ما به کمونیست ها نه همانند سوسیال دمکرات ها است و نه به سوسیال دمکرات ها همانند کمونیست ها. ما در عین حالی که از آن دو فاصله داریم و منتقد نگرش های هر دو جریان هستیم، ولی آن دو را جزو نیروهای چپ به حساب می آوریم.

ما هم متأسفیم که برخی از رفقای ما در نشست هایی شرکت کرده اند و مسئولیت پذیرفته اند که عمده نیروی آن را مشروطه طلبان سلطنتی تشکیل می دهند. عملکرد آن ها با عملکرد و مواضع سازمان متفاوت است و ارگان های سازمانی هم مخالفت خود را با عملکرد این دسته از رفقاً رسماً اعلام کرده اند. برخی از رفقای ما نیز به لحاظ سیاسی خواهان همکاری و برخاً اتحاد با بخش هایی از حاکمیت - اصلاح طلبان - هستند. سازمان ما چنین سیاسی را دنبال نمی کند.

مادران گرامی!

شما در نامه به مسائلی که به خط مشی سیاسی سازمان در سال های اول انقلاب و به ضربات سال ۱۳۶۵ برمی گردد، اشاره کرده اید. برای آگاهی شما لازم است گفته شود که ما در سال های اول مهاجرت نقد خط مشی سیاسی را در دستور کار قرار دادیم که حول آن بحث های مفصلی صورت گرفت. حاصل آن بحث ها سندی بود که به پلنوم کمیته مرکزی سال ۱۳۶۵ ارائه گردید و به تصویب رسید. در کنگره اول سازمان نیز سخنرانی های زیادی پیرامون آن خط مشی صورت گرفت و به نقد کشیده شد. سخنرانی ها و نقدها در کتاب کنگره (اسناد، مباحثات و طرحهای پیشنهادی در نخستین کنگره سازمان خلق ایران - اکثریت) آمده است. ما در طی دو دهه بارها در مقالات متعددی به این موضوع پرداختیم. نقد خط مشی گذشته ما به ما به اهمیت و جایگاه دمکراسی در کشورمان رهنمون کرد. در اتخاذ خط مشی حمایت از جمهوری اسلامی در آن دوره، عوامل متعددی تأثیرگذار بودند که لازم است جداگانه به آن ها پرداخته شود. ما باز بررسی خط مشی سیاسی در آن سال ها را در دستور کار خود قرار خواهیم داد.

بررسی علل و عوامل ضربات سال ۱۳۶۵ در دستور کار ما قرار دارد. طبعاً نتیجه بررسی در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

در آخر به شما اطمینان می دهیم که برای تحقق آرمان های عزیزانمان که آرمان های دیروز و امروز سازمان است، مبارزه خواهیم کرد و پرچم دفاع از صلح، آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را زمین نخواهیم گذاشت. امید و آرزو این که شما را همواره در کنار خود داشته باشیم و شما هم هر زمان لازم دیدید نگرانی ها و دغدغه های خودتان را با ما در میان بگذارید.

گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم

از روزی که دکتر خانلی ۲۹ ساله در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ و در اعتراض معلمان، بدست دژخیمان سلطنت بخون غلتید. این روز به یاد و خاطره این معلم مبارز و در پاسداشت پیام آوران دانش و آگاهی "روز معلم" نام گرفت. ترور مطهری به دست گروهی بنیادگرا همچون خود جمهوری اسلامی در ۱۲ اردیبهشت ۵۸ موقعیتی را فراهم آورد تا با انتساب این روز به مطهری و ترور او ماهیت انقلابی و مترقی این روز را تهی ساخته، و نفرت تودها و دانش آموزان از رژیم را متوجه این روز سازد.

معلمین ما همواره از پیشگامان مبارزه علیه بی عدالتی ها و استبداد بوده اند. جنبش چپ ایران از وجود معلمین و اساتید دانشگاهی بهره های فراوانی برده است. معلمین به همراه دانشجویان سهمی اساسی در بنیان گذاری سازمان ما داشته اند. بهرنگی، فراهانی، دهقانی، نابدل، اسکویی و... از جمله دهها فدائی بودند که در دهات و محلات فقیر نشین شهرها درس آزادگی و عدالت را به کودکان میهنمان می آموختند. و این امر با رسالت سیاهی و تباهی جمهوری اسلامی سر سازگاری نداشت. فدای انقلاب هزاران آموزگار ترقی خواه و تحول طلب خصوصاً چپ ها و کمونیست ها از مدارس اخراج و روانه زندان ها و شکنجه گاه ها گشتند. سرکوب و خفقان ترور اعدام معلمین و روشنگران جامعه هرچند موجب وقفه و تضعیف مبارزات معلمین شد، اما اعتراضات چند سال اخیر خصوصاً سال ۸۶ نشان داد که شماره های آتش معلمین از زیر خاکستر سرکوب هرآن آماده فوران است.

سازمان یونسکو ۱۳ مهر را بعنوان روز جهانی معلم اعلام نمود، تا همه ساله از زحمات معلمان تقدیر و تجلیل شود. یونسکو در پیامی بدین مناسبت اعلام کرد: "معلم های شایسته به کودکان، نوجوانان و جوانان کمک می کنند تا جوهره حقیقی زندگی را بشناسند و ارزش های زندگی مانند اعتماد، احترام، گفتگو و تفکر انتقادی را گسترش دهند." ما ضمن استقبال از این حرکت، به پاسداشت مبارزات پیگیر و درعین حال خونین جامعه معلمین کشورمان، همواره ۱۲ اردیبهشت را بعنوان یادروز پیکار دانش و آگاهی علیه جهل و ناآگاهی در میهن مان گرامی خواهیم داشت.

انتخاباتی که برانزنده جمهوری اسلامی بود

با همه اما و اگر ها و با تکیه بر نظارت استصوابی شورای نگهبان موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی و رد صلاحیت گسترده افراد، بالاخره با بررسی صلاحیت داوطلبان از بین ۷۵۰۰ نفر شرکت کننده، ۳۲۰۰ نفر توسط هیئت های اجرایی رد صلاحیت شدند. که با اعتراض رد صلاحیت شده گان به هیئت های نظارت نیمی از رد صلاحیت شده گان مجدداً تأیید گردیدند. همه اصلاح طلبان هم پس از ادا و اطوارهای رایج شان بالاخره وارد بازی شدند. تا انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۶/۲۴/۱۲ بخوبی و خوشی برگزار گردد.

دو مسئله در این رابطه حائز اهمیت است. نخست آنان که باز هم به امیدی واهی در این انتخابات شرکت کردند، تا به سان سی سال گذشته از میان بد و بدتر، بد را انتخاب کرده باشند. کسانی که انتظارات خود را از نتیجه انتخابات حتی به یک نفر هم تقلیل دادند!!! می خواهیم از این حضرات بپرسیم اگر شما عامدانه و به مأموریتی چنین نکرده اید، لاقلاً بررسی کنید که اقدام تان بجز تفرقه و تشتت چه حاصلی برای نیروهای دمکراتیک و چپ داشته است؟

دوم آنکه علیرغم تقلبات گسترده، خرید آشکار رأی در شهرستان ها و مناطق قومی اگر آمار از پیش تعیین شده را کنار بگذاریم، از شرکت مردم در این انتخابات بخصوص در شهرهای بزرگ، بطور فاحشی نسبت به انتخابات قبلی کاسته شده بود. حتی مطابق آمار رسمی وزارت کشور، در تهران ۱۹۹۰۵۶۲ رأی یعنی کمتر از ۱۹٪ و در شهرهای بزرگ مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ... حدوداً ۲۰ درصد و در کل کشور کمتر از ۳۵ درصد واجدین رأی دادن در انتخابات شرکت کردند.

عدم تناسب آرای ریخته شده در صندوق ها با نتایج اعلام شده، تقلب و دستکاری در صندوق ها و ابطال برخی صندوق ها در ایلام، ایوان، تهران، زابل، مهران، بم و ... اعلام آمارهای متفاوت ۶۵ درصد، ۶۰ درصد، ۵۸ درصد و کم اعلام کردن تعداد واجدین شرایط رأی و همه و همه دلیل بحرانی است که سر تا پای نظام جمهوری اسلامی را فرا گرفته است.

ما همچنان بر این باوریم که تحریم آگاهانه و متحدانه انتخابات گامی در راستای نفی استبداد و دیکتاتوری جمهوری اسلامی بود.

در دفاع از سوسیالیسم (۱۱)

پیش بسوی انترناسیونال کارگری جدید

اول ماه مه ارتباطی ناگسستگی با انترناسیونال دوم دارد. سه سال پس از سرکوب اعتصابات کارگری ۱۸۸۶ آمریکا، در کنگره بین الملل سوسیالیستی کارگران که در ژوئیه سال ۱۸۸۹ و به ابتکار انگلس تشکیل شده بود، و در حقیقت کنگره مؤسس انترناسیونال دوم محسوب می گردید، قطعنامه ای دایر بر تعیین روز اول ماه مه بعنوان روز همبستگی کارگران جهان به تصویب رسید. از آن به بعد همه ساله این روز تاریخی بعنوان جشن اتحاد کارگران در برابر اردوی سرمایه با شکوهی فزاینده برگزار می شود. از این رو بی مناسبت نخواهد بود در این روز به موضوع انترناسیونالیسم کارگری بپردازیم.

انتر ناسیونال های پیشین

انترناسیونال اول (۱۸۶۴-۱۸۷۲) شالوده های لازم برای یورش انقلابی کارگران علیه سرمایه و مبارزه پرولتاریای بین المللی در راه سوسیالیسم را بنا نهاد. نقش هدایت گر و تعیین کننده مارکس از نکات بارز حیات این دوره از انترناسیونال بود.

انترناسیونال دوم (۱۹۱۴-۱۸۸۹) با مساعی انگلس زمینه های بسط پردهنامه و توده ای جنبش کارگری را در یک سلسله از کشورها فراهم ساخت، و طی آن سال ها موجب رشد جنبش کارگری در عرض شد. اپورتونیسم حاکم در اواخر سال های حیات انترناسیونال دوم موجب تنزل سطح انقلابی و نهایتاً زوال و ورشکستگی آن شد.

انترناسیونال سوم (۱۹۱۹-۱۹۴۷) اساساً از دل مبارزه کارگران و در رأس آن بلشویک های روسیه و شخص لنین علیه اپورتونیسم و شوونیسم اجتماعی حاکم بر انترناسیونال دوم متولد شد، و در دوران جنگ کار را به تشکیل احزاب کمونیست در یک سلسله از کشورها کشاند. مهم ترین صفت انترناسیونال سوم احیای سنت های مارکسیستی بود. انترناسیونال سوم دستاوردهای مبارزاتی و انقلابی انترناسیونال دوم را برداشت و پلیدیهای آنرا (اپورتونیسم، شوونیسم) دور ریخت. مهم ترین کاستی انترناسیونال سوم حذف اتحادیه های کارگری از پیکر انترناسیونال بود. همچنین می توان به بوروکراسی حاکم، دولتی شدن آن، نقش فزاینده و در عین حال غیر قابل قبول حزب کمونیست شوروی اشاره نمود.

در اینجا لازم است از بین الملل سوسیالیستی هم یاد کنیم که با وضع موجود سازش کرد، و کاریکاتوری از آخرین سال های انترناسیونال دوم را ارائه نمود.

همزونی و نقش مؤثر در طی سه دوره حیات انترناسیونال نخست بدست کارگران فرانسه، سپس کارگران انگلستان، بعد کارگران آلمانی این نقش را عهده دار بودند و نهایتاً به کارگران روس انتقال یافت.

ضرورت باز سازی انترناسیونال کارگری

با فروکش نمودن اختلافات دول امپریالیستی که موجب دو جنگ جهانی گردید و انتقال این درگیری ها به کشورهای پیرامونی، و با گرایش فزاینده سرمایه به جهانی شدن و جهانی سازی هرآنچه که برای کسب سود و انباشت هر چه بیشتر سرمایه لازم است، شاهد شکل گیری انترناسیونال سرمایه می باشیم. سرمایه داری در راستای منافع خود مرزهای ملی را درهم می نوردد، تمامی موانع گمرکی را از بین می برد، دولت ها را ضعیف تر و ضعیف تر می سازد، نخه گان جامعه را برای تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان و خلق های جوامع پیرامونی به خدمت می گیرد، در پی باز پس گیری دستاوردهای نزدیک به دو قرن مبارزه کارگران بوده، شکاف طبقاتی را تشدید، تعداد میلیاردها را به قیمت خانه خرابی میلیون ها انسان افزایش داده، محیط زیست را غارت و تخریب می نماید. برای مقابله با این یورش جهانی راه کاری بجز اقدام و مقابله جهانی قربانیان سرمایه و وجود ندارد. تنها و تنها لازم است جهانی عمل کنیم.

سرمایه داری هم زمان با جهانی عمل نمودن خود، تفرقه و شکاف کارگران و زحمتکشان را موجب می گردد، و هر آنچه را که می تواند به ایجاد شکاف و تشدد زحمتکشان یاری رساند، به کمک می گیرد. نا همگونی های قومی، فرهنگی، جغرافیایی، نژادی، مذهبی، اختلافات تاریخی، تفاوت درآمدها، ارتش ذخیره کارگران و همچنین کم خطر شدن و از بین رفتن رزمندگی انقلابی کارگران کشورهای کانونی نسبت به کارگران قرن نوزدهم از جمله

مواردی هستند که به همراه استبداد و سرکوب و نیز رشد تکنولوژی موجب پراکندگی و کاهش قدرت اجتماعی کارگران دهه های آخر قرن بیستم شده است.

جهانی سازی سرمایه داری اشکال قدرت طبقه کارگر را مورد تهاجمی جغرافیایی و ایدئولوژیک قرار داده است. توان مطالباتی کارگران با استفاده از اعتصاب در پی اعتقاد پیمان هایی نظیر " پیمان نفتا" کاهش یافته، کاسته شدن از قدرت اتحادیه ها، کاهش دستمزدها، هجوم به تأمینات اجتماعی کارگران در کشورهای کانونی که خود حاصل سالها مبارزه طبقاتی کارگران این کشورها بود، از دست آوردهای سرمایه داری از اجرای پروژه جهانی سازی است.

علیرغم تهاجم گسترده سرمایه داری و عقب نشینی های پی در پی اردوی کار، و سردرگمی پیشاهنگان این طبقه، مبارزه طبقاتی با افت و خیزهایی بلاوقفه ادامه دارد. اعتقاد به مبارزه طبقاتی شدت یافته، امید به زایش سرمایه داری با چهره ای انسانی از بطن سرمایه داری حاکم هر روز بیشتر از پیش رنگ می بازد. حتی تقلا میوسانه چپ رنگ باخته به تشویق ایدئولوگ های تئولبرالیست برای انجام سزارین برای زایاندن نرینه سرمایه داری هم نتوانسته است، امید به اصلاح سرمایه داری را در میان توده ها از نو زنده سازد. مبارزه طبقاتی ادامه دارد و کارگران درک می کنند که نظام اجتماعی حاکم مسئول وضعیت غیر انسانی حاکم بر زندگی آنهاست. توهم سرمایه داری با سیمای انسانی تنها موجب فریب توده ها و خلع سلاح آنان می گردد.

انترناسیونالیسم کارگری تنها آلتناتیو مناسب جهانی سازی سرمایه است، و شعار " کارگران جهان متحد شوید" هنوز هم یگانه شعاری است که می تواند کارگران و زحمتکشان جهان را به مقابله با سرمایه داری و پروژه جهانی سازی آن و انباشت سرمایه و تشدید استثمار برانگیزاند. البته نباید انکار نمود. که بازسازی انترناسیونال با تشدید روند جهانی سازی از اواخر قرن گذشته با مشکلات زیادی مواجه است. فقدان انترناسیونال با نفوذ توده ای ناشی از تداوم بحران رهبری است. برای مبارزه علیه انحطاط بین المللی جنبش کارگری باید به مبارزه ای پیگیرانه علیه رهبران سازشکار و اپورتونیست و برای ایجاد بین الملل جدید و انقلابی اقدام نمود.

هدف اتحادیه ها متشکل ساختن کارگران و هدف مند نمودن مبارزات طبقه کارگر برای دست یابی به برنامه ها و خواست های خود با کمترین هزینه و در کوتاه ترین مدت ممکن می باشد. گام برداشتن در راستای اتحاد تشکیل های کارگری نباید به نفع مبارزه و رزمندگی طبقه کارگر و سازش طبقاتی برای نفع مبارزه طبقاتی بیانجامد. در مقابل آزادی تشکیل سرمایه اردوی کارالزماً بایستی متشکل گشته و به احیای سنت های انترناسیونالیسم مبارزت و رزد. کارگران بدلیل زیادی نیازمند همبستگی بین المللی می باشند، کمک مالی به کارگران اعتصابی، مبارزه علیه اعتصاب شکنان، افشاء سوء رفتارهای محلی با اعتصابیون، جلوگیری از اقداماتی که موجب کاهش قدرت اجتماعی اتحادیه ها می شود و فشار به حکومت هایی که تاکتیک های دولت- پلیسی علیه کارگران به کار می برند.

مبارزه کارگران علیه سرمایه داری نمی تواند تنها به کارگران صنعتی کشورهای گوناگون خلاصه شود. بایستی با ملحوظ داشتن منافع و خواست های کارگران نیمه وقت، پاره وقت و موقتی این توده میلیونی را با مبارزات کارگری همراه ساخت. باید راه کارهایی را برای ارتباط مبارزات ملی و محلی با مبارزه جهانی کارگران و پیوند منافع ملی پرولتاریای کشورهای گوناگون با منافع مشترک تمام کارگران

ارائه و بکار گرفت. باید در هر واحد مکانی ملی وجهانی همزمان مبارزه کرد.

با سرآمدن دوران یأس ناشی از شکست سوسیالیسم شوروی و عقب نشینی های ناشی از آن، از وظایف مهم کمونیست ها و تمامی چپ های معتقد به سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی و موضوع مبارزه حال حاضر زحمتکشان، تلاش برای بازسازی سنت های انترناسیونالیستی و احیای انترناسیونال کارگری جدید متناسب با شرایط فعلی جهان می باشد. هیچ انگیزه ای نمی تواند موجب فراموشی و یا کم اهمیت شدن این وظیفه عاجل برای اردوی کار شود. اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان اتحاد برای دمکراسی و همچنین برای دفاع از حقوق بشر، صلح و محیط زیست نیز هست. باید مبارزه برای دمکراسی و پیشرفت اجتماعی را با باز سازی انترناسیونال و مبارزه علیه جهانی سازی در هم آمیخت و تمام توان توده های کار و زحمت را برای این امر بسیج نمود.

سوسیالیسم ذاتاً گرایش به جهانی شدن دارد و بعنوان بدیل سرمایه داری بایستی خیلی انترناسیونالیستی تر از آن بوده و انترناسیونالیسم کارگری هم باید بنیاد سوسیالیسمی باشد که قرار است جایگزین جهانی سازی سرمایه داری شود. جهانی سازی تعریفی امروزی از اهداف امپریالیستی است. بنابر این مبارزه علیه جهانی سازی در حقیقت مبارزه علیه عالی ترین شکل سرمایه داری یعنی امپریالیسم می باشد. مبارزه برای سوسیالیسم همواره از مبارزه بر علیه استثمار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید جدا نبوده، و نتیجتاً مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه

به سوی اول ماه مه اطلاعیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب

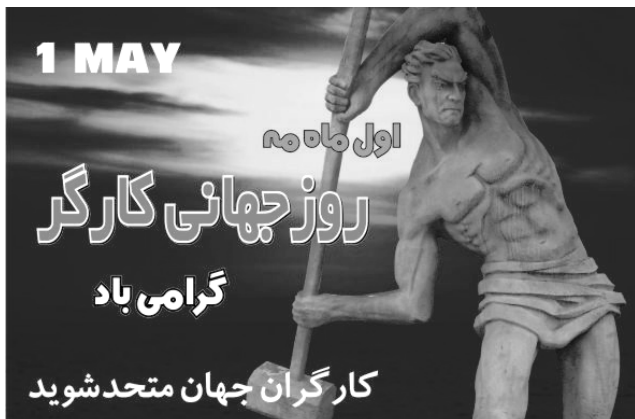
اول ماه مه برای طبقه‌ی ما - طبقه کارگر - روز همبستگی جهانی است. این روز روزی است که پرچم و افق کارگری در جهان به اهتزاز در می‌آید. در همه جای گیتی از تهران و کرج و سنندج تا لوس آنجلس و پاریس و مسکو و از کابل و بغداد و قاهره تا تل آویو و آمستردام و همه جای جهان، یک پرچم و یک صدا بلند می‌شود "زنده باد همبستگی جهانی کارگران"، "زنده باد برابری، زنده باد آزادی". کارگران و مردم زحمتکش دنیا در یک صف و یک دل در خیابان‌های شهرها رژه می‌روند و اعلام می‌کنند "ما انسان هستیم"، ما ملت و مرز و قوم نمی‌شناسیم و هیچ تفرقه‌ای را نمی‌پذیریم. ما کارگریم، به نام دین و ملت و قوم نمی‌توانند ما را از هم جدا کنند. این شعارهای برجسته‌ی اول ماه مه است، حتی اگر این شعار به این شکل واضح بر پرچم‌های کارگران و مردم در این روز نوشته نشده باشد اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز همبستگی جهانی طبقه کارگر، امسال در حالی برگزار خواهد شد که حوادث مختلفی در سال گذشته بر جنبش کارگری و جنبش آزادی و رهایی انسان گذشته است.

در سالی که گذشت باز هم سرمایه داری افسار گسیخته‌ی ایران با تمام توان خود و تا جایی که توانست دست خود را به سوی سفره خالی کارگران دراز نمود و ولع تهوع آور خود را برای کسب سود بیشتر در ازای به فلاکت کشاندن کارگران و زحمتکشان این جامعه در سال گذشته هر چه بیشتر نمایان کرد و چهره خود را زمانی به وضوح عیان تر نمود که کارگران در هر اعتراضی نسبت به حقوق معوقه و دستمزدها با سرکوب سازمان یافته دستگاه روبرو گشتند. سالی که گذشت سال مبارزات طبقاتی در سطح گسترده‌ای در جامعه بوده و سالی بوده است که طبقه کارگر نسبت به حقوق واقعی خود آگاه تر شده و میدانند که باید دست متعرض سرمایه داران به زندگیشان را کوتاه کند.

در ایران طبق معمول هر سال علیرغم ممنوعیت برگزاری مراسم اول ماه مه، این مراسم در اشکال مختلف در محله و کارخانه و دانشگاه و ... برگزار می‌شود. ما دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب چندین سال است که این مراسم را در دانشگاه برگزار می‌کنیم و یا در مراسم مستقل کارگران شرکت فعال می‌کنیم. امسال نیز ما دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب به استقبال اول ماه مه می‌رویم. ما در کنار میلیون‌ها کارگر و انسان در جهان این روز را گرامی می‌داریم. امید و تلاش ما این است که پرچم و افق این روز به افق همه‌ی کارگران و انسان‌های زحمتکش جهان تبدیل شود. تفرقه‌های قومی و ملی و مذهبی در میان کارگران و مردم جهان رخت برنندد و آزادی و برابری مردم در ایران و جهان متحقق شود.

اول ماه مه روز بزرگی برای طبقه‌ی ما است. ما در این روز پرچم همبستگی جهانی طبقه کارگر و شعار "کارگران جهان متحد شوید" را برافراشته نگاه خواهیم داشت. به امید اول ماه مه هر چه باشکوه تر

دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب سراسر کشور
۲۶ فروردین ۱۳۸۷



علیه امپریالیسم جدایی ناپذیر است.

انترناسیونال جدید که اساساً بر محور اتحادیه‌های کارگری و مستقل از دولت شکل خواهد گرفت، تمامی احزاب کارگری، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌های چپ، و تعداد کثیری از چپ‌های کارگری آزاد اندیش و غیر متعصب را شامل خواهد بود. شرط حضور در انترناسیونال کارگری جدید می‌تواند باور به مبارزه طبقاتی و جانبداری از طبقه کارگر در این پیکار، مبارزه در راه سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی و قابل دسترس باشد. همچنین نمی‌توان به بهانه همبستگی کارگران تعدد احزاب، تشکل‌ها و تجمعات کارگری را نفی نمود.

پیوند طبقه کارگر با دیگر جنبش‌های اجتماعی

سرمایه داری تنها کارگران را مورد بهره‌کشی قرار نمی‌دهد. میلیاردها انسان از جمله کشاورزان، زنان، خلق‌های کشورهای پیرامونی و ... به انحاء مختلف توسط سرمایه داری غارت می‌شوند. محیط زیست و طبیعت برای افزایش سود سرمایه داران وحشیانه تاراج می‌گردد. جنگ همزاد سرمایه داری است و میلیون‌ها انسان همه ساله قربانی جنگ می‌شوند و یا دار و ندارشان در آتش جنگ می‌سوزد. اگر طبقه کارگر می‌خواهد در پیکار با سرمایه داری پیروزی را در آغوش گشود، چاره‌ای جز پیوند با سایر جنبش‌های اجتماعی ندارد. بایستی دست اتحاد بسوی جنبش‌هایی که با سوسیال فوروم جهانی و برای دموکراسی، حقوق بشر، صلح، حقوق زنان و کودکان، علیه تخریب محیط زیست، حقوق ملیت‌ها، ضدنژادپرستی، همبستگی با جهان سوم و لغو بدهی کشورهای پیرامونی و ... و بر علیه جهانی سازی سرمایه داری مبارزه می‌کنند، دراز نماید.

سوسیال فوروم جهانی که در غیاب و ضعف جنبش کارگری رشدی فزاینده داشته و به جنبشی جهانی و تأثیر گذار تبدیل شده، بعزت نیروهای نا همگون تشکیل دهنده آن آسیب پذیر می‌باشد. جنبش کارگر نسبت به این جنبش همگون تر و منسجم تر و دارای سابقه تاریخی بیشتری است، ولی حتی جدا بودن جنبش‌های اجتماعی از خط مشی طبقه کارگر نباید به تقابل با طبقه کارگر و عدم اعتبار آن منتهی شود. کارگران برای نفی استثمار نیازمند همکاری دیگر نیروهای اجتماعی می‌باشند. اتحادیه‌های کارگری باید تلاش کنند تا فرمولی برای همکاری با این جنبش پیدا نمایند و از سوق یافتن به تقابل با این خودداری نمایند. کارگران در اتحاد با جنبش سوسیال فوروم جهانی باید سعی کنند نیروهای تشکیل دهنده آن برای اهداف مشخص خود جهانی عمل کنند. به رشد این جنبش از پایین برای یورش به عرش و بر علیه جهانی سازی سرمایه داری مساعدت ورزند.

انترناسیونال خلق‌ها

کشورهای پیرامونی و نیروهای دموکراتیک آن کشورها انگیزه‌های فراوانی برای مبارزه مشترک با کارگران در مبارزه علیه سرمایه داری و کریه‌ترین شکل آن امپریالیسم دارند. استراتژی اتحاد کارگران با جنبش‌های اجتماعی و مبارزات خلق‌های مناطق پیرامونی می‌تواند استراتژی مناسبی برای مبارزه علیه سرمایه داری و سلطه باشد. انترناسیونال خلق‌ها حلقه واسط انترناسیونال کارگری با جنبش‌های اجتماعی و اتحادیه‌های کارگری در مبارزه بر علیه انترناسیونال سرمایه می‌باشد. نایستی این دو را بدیل و یا نافی یکدیگر بشمار آورد. مسئله ملیت‌ها امری غیر قابل انکار در مبارزات ضد امپریالیستی و بر علیه جهان سرمایه داری بشمار می‌آید. هر چند که انقلاب اکتبر از مفهوم ملت تهی بود، ولی انقلاب چین، یوگسلاوی و ویتنام در عین تأسی به انقلاب اکتبر زیر درفش ملت به پیروزی رسیدند و نشان دادند که مبارزات ملی می‌تواند در پیوند و هم راستای مبارزات کارگری باشند. اما بایستی هشیار بود که حرکت‌های ملیتی، توانمندی بالقوه‌ای برای فراروئیدن به جنبش‌هایی شوونیستی و ماهیتاً ارتجاعی را دارند، که در این صورت آب به آسیاب امپریالیسم و اردوی سرمایه خواهند ریخت. کارگران و نیروهای مدافع منافع آنان بایستی با هر حرکتی که موجب تفرقه و پراکندگی جبهه کارگری می‌گردد مقابله نمایند. افشای بنیاد گرایشی شوونیستی و همچنین مذهبی که غالباً در زیر نقاب ضد امپریالیسم ارتجاعی و گمراه گر پنهان می‌شود، و هم زمان مبارزه راستین علیه امپریالیسم و جهانی سازی سرمایه داری از دیگر وظایف این نیروها می‌باشد.

یاد یاران یاد باد

گرامی یاد باد و خاطره رفیق بیژن جزنی و یارانش



سالگرد اعدام
بیژن جزنی
و یارانش
در تیمهای اوغتر

شاه روز شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ نه تن از زندانیان سیاسی، رفقای فدایی بیژن جزنی، حسن ضیا ظریفی، عزیز سمرمدی، عباس سورکی، مشعوف کلاتری، محمد چوپانزاده و احمد جلیل افشار را به همراه دو تن از مجاهدین خلق مصطفی جوان خوشدل، کاظم ذوالانوار، این رزمندگان انقلابی و فرزندان راستین خلق را به دست جلادان حرفه ای خود سپرد تا در تپه های اوین تیرباران کنند، و وقیحانه اعلام نمود که این گروه هنگام انتقال از زندانی به زندانی دیگر قصد فرار داشتند، که بضره گلوله محافظین به قتل رسیدند

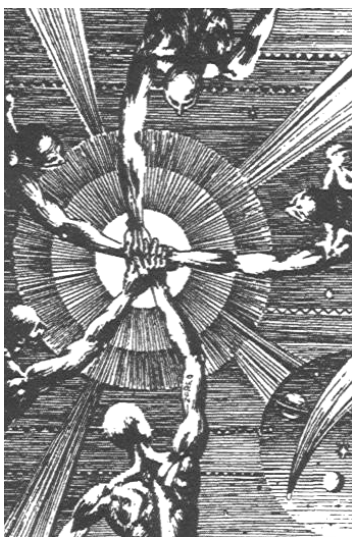
رفقا بیژن جزنی و همزمانش از تئوریسین های سازمان و از منادیان وحدت در مبارزه علیه رژیم شاه بودند. و قتل آنها نشان از وحشت بیکران رژیم شاه از این اندیشه و تحقق آن بود. بویژه در آن شرایط جهان و کشورمان.

درسی و سومین سالگرد قتل بیژن جزنی و همزمانش، خاطره این مبارزان راه سوسیالیسم، صلح، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی را گرامی می داریم، و وفادار به جهان بینی علمی و سمت گیری طبقاتی - تاریخی آنها، راه آنها را در این مبارزه ادامه خواهیم داد.

سرود انترناسیونال

تنها ما توده جهانی،
اردوی بی شمار کار،
داریم حقوق جهانی،
نه که خونخواران غدار.
گرد وقتی رعد مرگ آور
بر رهنان و دژخیمان،
در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نور افشان.
روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

برخیز، ای داغ لعنت خورده،
دنیای فقر و بندگی!
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی،
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان و جور و بند،
آنکه نوین جهانی سازیم،
هیچ بودگان هر چیز کردند.
روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.



بر ما نبخشد فتح و شادی
خدا، نه شاه، نه قهرمان.
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی امان.
تا ظلم را از عالم بروییم،
نعمت خود آریم بدست،
دمیم آتش را و بگوییم
تا وقتی که آهن گرم است.
روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

"شاهزاده سرخ" نماد خیانت ...

بمناسبت درگذشت مریم فیروز



پس از تحمل سال ها زندگی مخفی، تبعید، شکنجه و زندان مریم فیروز در آستانه ۹۵ سالگی روز ۲۲ اسفند ۱۳۸۶ در گذشت. مریم فیروز دختر عبدالحسین نوه عباس میرزای قاجار، که در خانواده ای سلطنتی از پدری وزیر و در کنار برادری وکیل و وزیر بزرگ شده بود، و به فرمان پدر با عباسقلی اسفندیاری فرزند رئیس مجلس شورای ملی ازدواج کرد. با فوت پدر از همسرش جدا و با شکستن حصارهای سنت و پشت کردن به اشرافیت و کاخ های مجلل اش برای همیشه با زندگی اشرافی وداع گفت.

مریم فیروز جزوه اولین زنانی بود که به عضویت یک حزب سیاسی درآمد، و با عضویت در حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷ عضو مشاور کمیته مرکزی شد و در سال ۱۳۵۷ عضو رسمی کمیته مرکزی گردید. وی اولین زن در تاریخ سیاسی ایران است که در سال ۱۳۶۰ به عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزبی انتخاب گردید. مریم فیروز سواست مسئولیت های حزبی، بعنوان مؤسس سازمان زنان ایران و رهبر تشکیلات دمکراتیک زنان ایران "همواره تلاش نمود که زنان را هر جا که هستند محترم بدارد و از آنها دفاع نماید."

فعالیت های سیاسی مریم فیروز با گرایش سوسیالیستی، با توجه به خواست گاه اجتماعی اش سر و صدای زیادی را موجب شد. لقب "شاهزاده سرخ" حاصل این شورش و سنت شکنی وی بود. انتخاب اردوی کار و زحمت کشان و پشت کردن به اشرافیت و طبقه ملاک و سرمایه داران تازه با گرفته، نمادی از خیانت "شاهزاده سرخ" به طبقه خویش بود. ۸ سال زندگی مخفی در شرایط خفقان، ۲۲ سال تبعید در شوروی و آلمان شرقی، ۱۰ سال زندان با شیخ ترین شکنجه ها و توهین ها در جمهوری اسلامی و ۱۵ سال حصر خانگی پی آمد این خیانت و انتقام سرمایه داری و اشرافیت از "شاهزاده سرخ" بود.

جمهوری اسلامی که طی ۲۵ سال گذشته از اعمال هرگونه ددمنشی در حق وی و همسر و یارانش کوتاهی ننمود، با دفن مخفیانه جسد این بانوی مبارز دور از چشم دوستان و یاران و آشنایانش دناست خود را تکمیل کرد.

گرامی یاد باد اول ماه مه "۱۱ اردیبهشت" روز جهانی کارگر